

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریر درس شرح کتاب الحجه اصول کافی

آیه الله سید محمد مهدی میر باقری

جلسه شماره ۷۲ به تاریخ ۱۴۰۰/۹/۱۵

بررسی مقام امامت در روایات و بحث مفترض الطاعه بودن - روایات مقام طاعت و امر و نهی امام

آیه شریفه امامت در سوره بقره و روایت در مورد دعای حضرت ابراهیم

بحث در روایات باب طبقات^۱ و تنقیح مقام امامت حضرت ابراهیم بود. بحث به بررسی آیه شریفه رسیده که فرموده: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۲ در این آیه شریفه بحث ابتلاء حضرت ابراهیم به کلمات و رسیدن به مقام امامت مطرح شده است. نکته اولی که در این آیه باید دنبال کنیم تبیین مقام امامت حضرت است که با عبور از ابتلائاتی به ایشان داده شده است.

ابتدا چند روایت ذیل آیه شریفه بود که اشاره کردیم. چند روایت دیگر هم باقی مانده است که باید دقت شود. در امالی شیخ طوسی نقل شده است: «الْحَقَّارُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الدَّعْبَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الدَّيْرِيِّ مَعًا عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُتَنَّى مَوْلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ صِرْتَ دَعْوَةَ أَبِيكَ إِبْرَاهِيمَ قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَاسْتَخَفَّ إِبْرَاهِيمَ الْفَرَحَ فَقَالَ يَا رَبِّ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي أَيْمَةً مِثْلِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ إِنِّي لَأُعْطِي لَكَ عَهْدًا لَا أَفِي لَكَ بِهِ قَالَ يَا رَبِّ مَا الْعَهْدُ الَّذِي لَا تَفِي لِي بِهِ قَالَ لَا أُعْطِيكَ عَهْدًا لِظَالِمٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ قَالَ يَا رَبِّ وَ مِنَ الظَّالِمِ مَنْ وُلِدَ لَا يَنَالُ عَهْدِي قَالَ مَنْ سَجَدَ لَصَنَمٍ مِنْ دُونِي لَا أَجْعَلُهُ إِمَامًا أَبَدًا وَ لَا يَصِحُّ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا قَالَ إِبْرَاهِيمَ وَ اجْتَنِبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ قَالَ النَّبِيُّ فَاتَّهَتْ الدَّعْوَةُ إِلَيَّ وَ إِلَى أَخِي عَلِيٍّ لَمْ يَسْجُدْ أَحَدٌ مِنَّا لَصَنَمٍ قَطُّ فَاتَّخَذَنِي اللَّهُ نَبِيًّا وَ عَلِيًّا وَصِيًّا»^۳

در این روایت رسول خدا می فرمایند ما محتوای آن دعوت حضرت ابراهیم هستیم بعد از اینکه ایشان به امامت رسید. این مقام آنقدر بزرگ بود که ایشان از سرور و خوشحالی این مقام سوال کرد که آیا به ذریه من هم می رسد؟! خدا

^۱ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۷۵

^۲ - سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۴.

^۳ - الأمالی (للطوسی)، النص، ص: ۳۷۸

فرمود من عهدی به شما نمی دهم که به آن عمل نکنم. این عهد به ظالم از اهل شما نخواهد رسید. بعد سوال می شود که ظالم از ذریه من چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود کسی که در مقابل بت ها سجده کرده باشد و لحظه در حیات خود مشرک بوده باشد، او امام نمی شود. اینجا بود که حضرت ابراهیم دعا کرد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ * رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۴ این دعای ایشان در انتها به رسول الله و امیرالمومنین رسیده است. این مسئله سجده و پرستش بت ها بحث مهمی است که بعداً در بحث عصمت باید دنبال شود.

روایت عبدالحمید بن نصر در مقام امامت

در روایت دیگری که روایت مهمی است از عبدالحمید بن نصر نقل می کند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ نَصْرِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يُنْكِرُونَ الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ الطَّاعَةَ وَيَجْحَدُونَ بِهِ وَاللَّهُ مَا فِي الْأَرْضِ مَنَزَلَةٌ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ وَقَدْ كَانَ إِبْرَاهِيمُ دَهْرًا يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْأَمْرُ مِنَ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ حَتَّى بَدَأَ لِلَّهِ أَنْ يُكْرِمَهُ وَيُعْظِمَهُ فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَرَفَ إِبْرَاهِيمُ مَا فِيهَا مِنَ الْفَضْلِ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي فَقَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَيُّ إِنَّمَا هِيَ فِي ذُرِّيَّتِكَ لَا يَكُونُ فِي غَيْرِهِمْ»^۵ در این روایت حضرت می فرمایند مقام امامت مقام «مفترض الطاعة» است و این مقام اعظم مقامات در زمین است. جناب ابراهیم خلیل مدت ها وحی الهی داشت و نبی و رسول بود ولی امام و مفترض الطاعة نبود تا اینکه به این مقام رسید.

بعد هم ایشان سوال می کند آیا این مقام به ذریه من هم می رسد؟ جواب داده می شود که این امر اصلاً در غیر ذریه شما نیست. این شکل دیگری از معنا کردن آیه است که نمی خواهد در مورد خود امامت فقط بحث کند بلکه اینکه ائمه در ذریه چه کسی باشد و از نسل ایشان ائمه جعل شوند، این خود عهد بزرگی است که خدا به ایشان داده است. هرچند در روایات دیگر، آیه به خود مقام امامت و عهد ائمه بعدی معنا شده است که آنها نباید ظالم باشند. ولی این روایت کانه می گوید امام از نسل انسان ظالم نمی شود. خود اینکه امامت در نسل چه کسی قرار می گیرد بحث مهمی است که باید بعد دنبال شود. در روایاتی که جلسه قبل خواندیم همین نکته بیان شده بود که بخاطر ابتلاء سنگینی که سیدالشهداء از آن عبور کرده است امامت در نسل ایشان قرار گرفته است. این نکته ای است که ردپای آن در روایات دیگر نیز دیده می شود.

^۴ - سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۵ - ۳۶.

^۵ - بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۵۰۹.

نکته کلیدی در این روایت، مسئله مقام «مفترض الطاعة» است که باید مورد بررسی قرار بگیرد. ظاهر این روایت این نکته است که از مردم نسبت امام اطاعتی خواسته شده است که غیر از اطاعتی است که از نبی و رسول خواهند کرد. و الا روشن است که انبیاء و رسل هم دستورات الهی را می آوردند و باید مردم اطاعت می کردند.

روایات مقام افتراض الطاعة و ملک عظیم

برای تبیین این مسئله ابتدا به آیه شریفه سوره نساء اشاره می کنیم که بحث مفترض الطاعة یا همان ملک عظیم در آن بیان شده است. فرمود: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»^۶ یعنی عده ای در فضل الهی که به آل ابراهیم داده شده است حسادت می ورزند. بعد این فضل الهی را با سه عنوان توضیح می دهد. «کتاب» و «حکمت» و «ملک عظیم»؛ در روایات این سه عنوان توضیح داده شده است و بیان شده است که این مقام ملک عظیم همان امامت و مقام مفترض الطاعة بودن است و در عده ای از انبیاء و رسل بوده است.

در صحیح ابابصیر فرموده: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا قَالَ الطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ»^۷ در این روایت حضرت ظاهرا ملک عظیم را به همین مقام مفترض الطاعة بودن تفسیر می کنند.

در صحیح حمران که مشابه روایت قبل است فرموده: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ الْأَحْوَلِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَغَيْنٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ فَقَالَ التَّبَوُّةُ قُلْتُ الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمُ وَالْقَضَاءُ قُلْتُ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَقَالَ الطَّاعَةُ»^۸ در این روایت روشن است که حضرت مقام اطاعت آنها را به ملک عظیم تفسیر کرده و این چیزی غیر از کتاب و حکمت است.

در صحیح ابوحمره ثمالی که به حدیث شجره معروف است این عبارت آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ... فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ فَهُوَ التَّبَوُّةُ وَ

^۶ - سوره مبارکه نساء آیه ۵۴

^۷ - بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۳۵

^۸ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۲۰۶

الْحِكْمَةُ فَهُمْ الْحُكَمَاءُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَ الصُّفْوَةِ وَأَمَّا الْمُلْكُ الْعَظِيمُ فَهُمْ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ مِنَ الصُّفْوَةِ الْحَدِيثُ»^۹ در این روایت بیان کرده است که ائمه الهی بودند که صاحب مقام ملک عظیم بودند و بقیه انبیاء و رسل این مقام را نداشته اند.

در صحیحہ برید در بصائر فرموده: «حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَتَنَحُّ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ الْإِمَامَةَ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ»^{۱۰} که در این روایت حضرت فرمودند این ملک عظیم همان مقام امامت است و عده ای به همین مقام ما حسادت ورزیدند.

در روایت دیگری که از هشام بن سالم نقل شده است فرمود: «مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا مَا ذَلِكَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ قَالَ فَرَضُ الطَّاعَةِ وَ مِنْ ذَلِكَ طَاعَةُ جَهَنَّمَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا هِشَامُ»^{۱۱} در این روایت از یک وسعت دیگری بحث کرده است که این مقام مفترض الطاعة فقط مربوط به انسان ها نیست بلکه بهشت و جهنم و عوالم هم از فرمان او اطاعت می کنند. تصرف او فقط بر اراده های انسانی نیست. لذا باید بحث کنیم که این مطلب چه توضیحی دارد.^{۱۲}

صحیحہ برید عجلی و مقام مفترض الطاعة

در صحیحہ برید عجلی فرموده: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا قَالَ جَعَلَ مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَالْأَئِمَّةَ فَكَيْفَ يُقْرُونَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ يُنْكِرُونَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا قَالَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ أَنْ جَعَلَ فِيهِمْ أئِمَّةً مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ فَهُوَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ»^{۱۳} در این روایت بیان کرده است که در آل ابراهیم این سه مقام نبوت و رسالت و امامت بوده است. و ملک عظیم همان مقام امامت است که به بعضی از آنها داده شده است. کسانی که اطاعت از آنها اطاعت خداست و عصیان آنها، عصیان در مقابل خداست.

^۹ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۱۱۸ - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص: ۱۶۸

^{۱۰} - بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۳۵

^{۱۱} - بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۳۵

^{۱۲} - استاد می فرمودند اینکه در آیات و روایاتی از تعلق جنود آسمان و زمین نسبت به نبی اکرم و اهل بیت بحث می کند مربوط به همین مقام است. کسی که صاحب فرمان و امر و نهی می شود، حتماً امکانات این عالم متناسب با این مقام در اختیار اوست.

^{۱۳} - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۲۰۶

حضرت در این روایت می فرمایند: اینها انکار می کردند که امامت در نسل نبی اکرم باشد و حضرت می فرماید چطور در آل ابراهیم قبول می کنند ولی در آل رسول الله قبول ندارند؟! این محاجه ای است که حضرت با دستگاه طرف مقابل می کردند که این مقام را منکر بودند. در روایاتی حتی جعل کرده بودند که امر امامت امت با نبوت در یک خاندان جمع نمی شود. حضرت می فرماید چطور است که رسالت و امامت در جناب ابراهیم و نسل ایشان جمع شده بود ولی در رسول و آل رسول این نیست؟!^{۱۴}

اما نکته مهم همین است که اطاعت آنها اطاعت خداست و افتراض الطاعة همین است. این مقامی است که به انبیاء و رسل داده نشده است. مقامی است که کانه خودش طرف یک اطاعت و عصیانی خواهد بود. همه انبیاء و رسل در ابلاغ وحی شان، مورد اطاعت هستند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^{۱۵} ولی این غیر از مقام مفترض الطاعة بودن است که حضرت ابراهیم بعداً به آن رسیده است. مقامی که کانه بغیر از امر و نهی الهی، خودشان مقام امر و نهی پیدا می کنند و باید اطاعت شوند. امام فقط مبلغ و مجری احکام الهی نیست بلکه خود صاحب امر می شود.

لذا بحث «تفویض» اینجا مطرح می شود که در روایات مکرری وارد شده است. این «ملک عظیم» همان ملک بزرگی است که با ملک جناب سلیمان مقایسه شده است و آنرا امر بزرگتری شمرده است. بعضی از این روایات متداخلاً در ابواب ملک عظیم و تفویض آمده است که نشانه ارتباط بین این امور است. در ادامه این روایات خواهد آمد و برای تبیین مقام امامت باید این روایات فی الجمله دیده شود.^{۱۶}

البته حتماً امامت امری است که درجات دارد و امامتی که جناب ابراهیم داشته است با امامتی که انبیاء بنی اسرائیل داشته اند فرق می کند. فرمود: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»^{۱۷} امامت حضرت ابراهیم و انبیاء اولوالعزم، امامتی است که بر انبیاء دیگر هم بوده و امامت تاریخی بوده است. یعنی فرمان و امر و نهی او نه فقط بر

^{۱۴} - در روایت امیرالمومنین در کتاب سلیم آمده است: «فَلَمَّا تَخَوَّفَ أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَنْصُرَهُ النَّاسُ وَ أَنْ يَمْنَعُوهُ بِأَدْرَهُمْ فَقَالَ كُلُّ مَا قُلْتَ حَقٌّ قَدْ سَمِعْنَاهُ بِآدَانِنَا وَ وَعْتَهُ قُلُوبُنَا وَ لَكِنْ قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ بَعْدَ هَذَا إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اصْطِفَانَا اللَّهُ وَ أَكْرَمَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْمَعَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ النَّبُوَّةَ وَ الْخِلَافَةَ فَقَالَ عَلَى هَلِّ أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ شَهِدَ هَذَا مَعَكُمْ.... وَ فِيمَا يَكْذِبُ قَوْلَكُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَالْكِتَابُ النَّبُوَّةُ وَ الْحِكْمَةُ السُّنَّةُ وَ الْمُلْكُ الْخِلَافَةُ وَ نَحْنُ آلُ إِبْرَاهِيمَ» کتاب سلیم، ج ۲، ص: ۵۹۱

^{۱۵} - سوره مبارکه نساء آیه ۶۴

^{۱۶} - استاد در جلسه اشاره ای به روایت موسی بن اشیم در کافی و بصائر می کنند که حضرت ملک جناب سلیمان را با ملک بزرگ نبی اکرم مقایسه می کنند و بیان می کنند حقیقت دین به نبی اکرم تفویض شده است. این روایات در جلسات بعد مفصلاً بحث خواهد شد. الکافی (ط) -

الإسلامية)، ج ۱، ص: ۲۶۵

^{۱۷} - سوره مبارکه سجده آیه ۲۴

امت خود بلکه بر انبیاء و رسل دیگر هم جاری است و باید ذیل امر او حرکت کنند؛ فرمان امام برای انبیاء و رسل تحت ولایت او، فرمان خداست. این مقام بسیار عظیمی است. و حتماً امامتی که به نبی اکرم و اهل بیت داده شده است امر عظیم تری است که در روایات اشاره خواهد شد.

مقام امامت حضرت ابراهیم هم با همین نکته باید معنا شود. ایشان ماموریتی برای امت سازی ذیل نبی اکرم پیدا کرده است و در راستای این ماموریت باید امر و نهی کند و طرح و اقدام او ظرفیت تاریخی هم خواهد داشت و در نسل های بعد تا بعثت حضرت و بلکه تا قیامت این اقدام های او باقی خواهد بود. این آیاتی که بعد از مقام امامت حضرت ابراهیم در سوره توبه آمده است که ایشان مشغول عمران مکه و کعبه و... می شود همه ذیل همین مقام است. ایشان باید بیت و بلد و حج و حرکتی را آغاز کند که به نبی اکرم خواهد رسید. نیز در روایتی که در جلسه قبل اشاره شد به سنت هایی اشاره شده بود که ایشان پایه گذاری کرده و تا قیامت باقی می ماند که به «حنفیت» معرفی شده است.

صحیحہ حسین بن ابی العلاء و مقام اولی الامر

در صحیحہ حسین بن ابی العلاء که بحث بسیار مهمی است فرموده: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَوْلَنَا فِي الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ طَاعَتَهُمْ مُفْتَرَضَةٌ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا»^{۱۸} این روایت نیز در مورد مقام مفترض الطاعه بحث کرده است که اهل بیت پیامبر نیز مانند نبی اکرم این مقام را داشته اند که در روایات دیگری مفصلاً این بحث آمده است.

لکن در ادامه حضرت این بحث را به آیه شریفه اطاعت از اولوالامر مرتبط می کنند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^{۱۹} معنای این تعبیر این است که این سه اطاعت در عین اینکه همه اطاعت خداست و بیرون از وادی بندگی الهی نیست ولی از یک جهت سه اطاعت از انسان نسبت به ولایت الهیه خواسته شده است. یک اطاعت از امر و نهی خداست؛ یک اطاعت از رسول خدا خواسته شده است؛ در رتبه بعد هم باید از اوصیاء نبی اکرم، اطاعت کنند. اینها سه ساحت از امر و نهی هستند و متعلق امر و نهی شان یکی نیست. بلکه هرکدام در ساحت ماموریت خود ذیل امر الهی، امر و نهی خواهند داشت.

^{۱۸} - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۸۷

^{۱۹} - سوره مبارکه نساء آیه ۵۹

بعد حضرت به آیه دیگری اشاره می کنند که این آیه هم به همین مقام افتراض طاعت ارتباط دارد؛ فرموده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^{۲۰} در این آیه بحث از سه ساحت از ولایت مطرح است ولی در این روایت کانه می گوید این سه ولایت ولو همه ولایت الله است ولی سه ولایت ایجاد می کند که هر کدام ماموریتی ذیل هم دارند. رسول ذیل ولایت و امر و نهی خدا عمل می کند. و اوصیاء هم باید ذیل امر و نهی الهی و سنت نبوی حرکت کنند.

هرچند روشن است که امر و نهی رسول و امام، به نحوی دستور خداست. یعنی سنجی از ارتباط بین امام و خدا هست که این اثر را دارد که ولو خودش امر می کند ولی امرش، امر الهی است و اطاعت از او هم اطاعت از خدا؛ و ولایتش نیز ولایت الله است. در روایاتی که در باب نوادر توحید قبلاً بحث کردیم اشاره شد که بین امام و خدا نسبتی است که این آثار را بدنال دارد. در معتبره زراره فرموده بود: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْظَمُ وَ أَعَزُّ وَ أَجَلُّ وَ أَمْنَعُ مِنْ أَنْ يُظْلَمَ وَ لَكِنَّهُ خَلَطَنَا بِنَفْسِهِ فَجَعَلَ ظُلْمَنَا ظُلْمَهُ وَ وَلَّيْتَنَا وَلَايَتَهُ حَيْثُ يَقُولُ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي الْأَئِمَّةَ مِنَّا»^{۲۱} سطح ارتباطی بین امام و خداست که ولایت او را ولایت الله قرار می دهد. در این روایت نیز حضرت به همین آیه شریفه اشاره می کنند. هرچند همه انبیاء و رسل باید سطحی از ارتباط را با خداوند داشته باشند که بتوانند حامل وحی شوند؛ ولی آنچه بین امام و خداست متفاوت با ارتباط بین نبی و رسول با خداست.

این عبارت هم که در زیارات اهل بیت مکرر دیده می شود «المظهرین لامرالله و نهیه» باید با توجه به همین نکته معنا شود. یعنی اظهار امر الهی توسط رسول الله و ائمه به معنای ابلاغ صرف نیست بلکه خودشان برای اظهار امر الهی، امر و نهی هایی دارند و به نحوی شریعت جعل می کنند. در واقع این امر و نهی برای تحقق امر الهی است. این بحث را باید در نسبت بین امر و نهی خدا و رسول دنبال کرد که روایاتی در مورد آن بیان شده است.

معتبره محمد بن سنان در مقام تفویض

در معتبره محمد بن سنان نیز از این مقام مفترض الطاعة بودن و بحث تفویض شده است؛ فرمود: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي فَأَجْرَيْتُ اخْتِلَافَ الشَّيْعَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَزَلْ مُتَفَرِّدًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ

^{۲۰} - سوره مبارکه مائده آیه ۵۵

^{۲۱} - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۴۶. یا در روایت دیگری فرموده بود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَأْسَفُ كَأْسَفَنَا وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ أَوْلِيَاءَ لِنَفْسِهِ يَأْسِفُونَ وَ يَرْضُونَ وَ هُمْ مَخْلُوقُونَ مَرْبُوبُونَ فَجَعَلَ رِضَاهُمْ رِضًا نَفْسِهِ وَ سَخَطَهُمْ سَخَطًا نَفْسِهِ لِأَنَّهُ جَعَلَهُمُ الدُّعَاءَ إِلَيْهِ وَ الْأَدَاءَ عَلَيْهِ»

فَمَكْتُوْا أَلْفَ دَهْرٍ ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا وَ أَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا وَ فَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ فَهُمْ يُحِلُّونَ مَا يَشَاءُونَ وَ يُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ وَ لَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُحِقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ خُذْهَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ^{۲۲}

در این روایت چند نکته بیان شده است. اولاً مقام امام آنقدر بزرگ است که بین اصحاب هم اختلاف شده است و برای عده ای این توهم رخ داده است که بعضی مقامات اگر به امام نسبت داده شود، شرک است. حضرت در ابتدا می فرمایند اهل بیت مخلوق الهی هستند و خدا متفرد به وحدانیت بود. بعد انوار خیمه اهل بیت را خلق کرد.

ثانیاً خلقت موجودات مشهود این امامت کل بوده است و این در انجام ماموریت حتماً دخالتی داشته است. و بعد از این شهود به آنها مقام امامت و ولایت مخلوقات تفویض شده است. بعد حضرت در توضیح این مقام بیان می کنند که آنها حلال و حرام ایجاد می کنند و این به مشیت خوشان است. مقام تفویض یعنی همین. هرچند تفویض درجات و سطوحی دارد و همه ائمه در تاریخ انبیاء چنین وسعت تفویضی نداشتند.

ثالثاً مشیت آنها به چیزی تعلق می گیرد که مشیت الهی در همان است. خداوند متعال این مقام را به کسی نداده است که عالم را خلاف مشیت خدا سرپرستی کند. او باید در حدی از اتصال و قرب به خدا باشد که عالم را بر محور مشیت و رضای الهی سرپرستی کند و این امر بسیار عظیمی است که در روایات باب تفویض به شکل های مختلفی بیان شده است. بعضاً با تعبیر «ادبی نبیه علی محبته» و مانند آن اشاره شده است که در ادامه مباحث خواهد آمد.

رابعاً این تصویر از امامت و درک از مقام اهل بیت است که باید شیعه از امام خود داشته باشد. روایت در مورد اختلاف شیعیان در مقام امام بود و حضرت بیان می کنند که امام در چنین نقطه ای است و کسی که این سطح از معرفت به امام را داشته باشد در مسیر حق است. اگر قدمی از این عقب تر یا جلوتر کسی برای امام تصویر کند این از معرفت صحیح امام خروج کرده است. خود این تعبیر در روایت که در روایات دیگر هم مشابهش آمده است نشان از اهمیت درک و بحث از این مقام است که عمود معنای امامت است. والحمدلله...

^{۲۲} - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۴۴۱